اقتصاد ایران

راه کنترل قیمت مسکن اجاره‌ای . . ۱۲

اقتصاد ایران

مفهوم طبقه اجتماعی ۱۲

بورس

اجرای طرح شتاب برای شرکت‌های بیمه ۱۳

اقتصاد جهان

ونزوئلا عضو مرکوسور شد ۱۴

معاون امور معادن وزارت صنایع در گفت‌وگو با شرق:

استراتژی باید قابلیت تغییر داشته باشد

سیدحمزه حسینی

نام وزارت صنایع و معادن متشکل از دو بخش صنعت و معدن است و محمدحسین بصیری مسئول بخش معدن این وزارتخانه است. مصاحبه با او گرچه با هدف بررسی فعالیت‌های معدنی در ایران آغاز شد اما به سمت بررسی استراتژی توسعه معدن رفت. با این حال سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا استراتژی معدن هم به سرنوشت استراتژی توسعه صنعتی دچار شده و به فراموشی سپرده می‌شود یا اینکه می‌تواند در توسعه بخش معدن نقش موثری را ایفا کند.

■ ■ ■

■ **بخش معدن در اقتصاد ایران، نسبت به دیگر بخش‌ها چه موقعیتی دارد؟**

انتهای سال ۸۳ بود که ما بحران قیمت فلزات را داشتیم و این بحث مطرح شده بود که در همه دنیا معادن را تعطیل می‌کنند و در ایران بحث‌های اینچنینی مطرح شده بود و می‌گفتند معدن جایگاهی ندارد و باید به صنایع و موارد دیگر پرداخته شود. یادم هست که من مقاله‌ای در این مورد نوشتم و جلوی وزیر وقت هم این صحبت را کردم که با توجه به اینکه کشورهای اروپایی و کشورهایی که صاحب معدن هستند و بسیاری شروع به تعطیل کردن معادن خود کردند من مثالی که زدم معدن سلوی انگلستان بود که معدن جوانی بود و تعطیل شد و تمام تجهیزات آن را از بین بردند و زمین آن برای کار دیگری مورد استفاده قرار گرفت. آن موقع پیش‌بینی من این بود که به زودی اقبال جهانی برای مواد معدنی زیاد می‌شود و این برای ما یک فرصت خواهد بود.

■ **دلیل اینکه اینچنین نگاهی حاکم شده بود چه بود؟**

نگاه این بود که کلاً بخش معدن چون در حد دهم درصد در تولید ناخالص داخلی نقش دارد ما باید به همان مقدار بها بدهیم. یعنی اگر ۰/۷ درصد یا به روایتی ۱/۵ درصد در تولید ناخالص داخلی نقش دارد ما باید بودجه و نگاه و وقت و هزینه‌مان را براساس همین مقدار، تاثیر دهیم و این نگاه اشتباهی است. ما باید ببینیم فرصت‌های آینده چیست و بر این اساس توجهات خود را تنظیم کنیم و یک ویژگی دیگر هم که معدن دارد این است که این فعالیتی است که می‌تواند ارزش افزوده زیادی داشته باشد و از نگاه صنعتی اصیل است و مصرفی نیست.

■ **مشکلات پیش روی معدن ایران از نظر شما به‌عنوان متولی امور چیست؟ یعنی شما با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟**

بزرگترین مشکل همان تفکری است که به آن اشاره کردم. این تفکر باید عوض شود و دیدگاه باید، دیدگاه مهندسی شود. اگر تفکر مهندسی مبنای همه تصمیم‌گیری‌ها در کشور شود ما وضع‌مان خیلی بهتر می‌شود. مورد دیگر این است که بخش معدن بخش مهجوری است و این برمی‌گردد به مشکلات سالیان سال و کسی را نمی‌توانیم در این مورد محکوم کنیم و مورد دیگر بحث عدم توجه به زنجیره ارزش افزوده است. ما مواد معدنی را به صورت خام و تنی صادر می‌کنیم و به صورت گرمی و فرآوری شده آن را وارد می‌کنیم. در هر جای زندگی روزمره که توجه کنید، می‌توانید مواد مختلف معدنی را ببینید و بسیاری از اینها وارداتی است.

■ **خب حالا راه‌حل این مشکلات و خلایی که در این مورد وجود دارد چیست؟**

بسیاری از اینها را می‌توان با تنظیم یک استراتژی علمی و کارآمد حل کرد. این استراتژی باید وضع موجود را تحلیل کرده باشد و به صورت مسئله‌شناسانه از وضع موجود شناخت کاملی داشته باشد و وضع مطلوب و دست‌یافتنی را ترسیم کند و سپس نقشه راه را نیز جهت رسیدن از وضع موجود به مطلوب ارائه کند.

■ **خب حالا در ایران استراتژی معدن مراحل تدوین را می‌گذراند. چه شد که قرار به تدوین این استراتژی گرفته شد و مسیری که قرار است طی شود، چگونه است؟**

وقتی که بحث استراتژی صنعت مراحل پایانی آن طی می‌شد آنهایی که دست‌اندرکار تدوین استراتژی بخش صنعت بودند را اشاره چندانی به معدن نکرده بودند. آن موقع من مجری طرح جامع معادن بودم و به فکر افتادم تا استراتژی بخش معدن و صنایع معدنی را تدوین کنم.

هر فرد باید در زندگی فردی خود هم استراتژی خاصی داشته باشد و اینکه بعضی‌ها می‌گویند استراتژی صنعت کافی است و دیگر نیازی به استراتژی خاصی برای معدن نیست، بحثی غیرعلمی و غیرکارشناسی است. و به عده‌ای که می‌گویند، استراتژی صنعت کافی است باید بگویم که خود نویسندگان آن گفته‌اند که استراتژی معدن از آنها خواسته نشده است و ممکن است بحث‌های کلان مشترک باشد. اما مشخصاً نسخه‌ای برای معدن پیچیده نشده است.

■ **فکر نمی‌کنید استراتژی معدن ممکن است تناقض‌هایی را با استراتژی صنعت داشته باشد یعنی در جاهایی با هم همپوشانی پیدا کنند که عملاً نتیجه تناقض این دو استراتژی باشد و اصلاً همکاری‌ای میان تهیه‌کنندگان دو استراتژی وجود دارد؟**

در بحث‌های علمی تناقض باعث تکامل می‌شود. بی‌انصافی است که ما زحمات علمی گذشته و حال را در نظر نگیریم و این است که ما به تمام استراتژی‌ها با دقت توجه خواهیم کرد و باید از تجربیات استفاده کنیم و کارهایی را که اشکال دارد و یا با سیاست‌های جدید مطابقت نمی‌کند، اصلاح کنیم و کاملاً هم با استراتژی‌هایی که در دولت و بیرون نوشته می‌شود هماهنگ هستیم. در ضمن باید به نکته دیگری هم اشاره کنم؛ کلیه استراتژی‌هایی که تاکنون تدوین شده است، بحث‌های کلان را مطرح کرده‌اند، اما به اینکه صنعت چگونه برود و کجا برود و به عبارتی به چگونگی‌ها چه برای معدن و چه برای صنعت توجهی نشده است. به کسی راه نشان داده نشده و این مهم است و به نظر من استراتژی صنعتی راه رسیدن به مطلوب را نشان نداده است.

■ **تیمی را که می‌خواهید برای تدوین استراتژی معدن انتخاب کنید چه ویژگی‌ای خواهد داشت و کسی انتخاب شده است؟**

ببینید تیمی که فعلاً انتخاب شده‌اند موظف به تدوین استراتژی نیستند. آنها وظیفه دارند نخبگان کشور در امر معدن را شناسایی کنند. یک تیم استراتژیست باید اقتصاددانان و نخبه‌های معدنی را در بر بگیرد ما هنوز این تیم را تشکیل نداده‌ایم. ولی اقدامات خوبی شروع شده است. لیکن باید صاحبنظران معدن در صفحه اصلی باشند.

■ **خب حالا وضعیت این استراتژی که قرار است تدوین شود چگونه است و کار به کجا رسیده است؟**

در مورد اینکه چه می‌خواهیم کار را انجام داده‌ایم و چیزها و نیازهایی که داریم دیدگاه‌هایمان را نسبت به استراتژی معدنی کشور و مسائلی که باید بررسی و حل بشود را مشخص کرده‌ایم. مشکلی که در کشور ما وجود دارد این است که ما در بسیاری از مواقع نمی‌دانیم چه می‌خواهیم. اما ما آنچه می‌خواهیم را تحلیل و تعیین کرده‌ایم. (فرآیند مسئله‌شناسی و سئوالات اساسی مشخص شده)

■ **خب حالا چه می‌خواهید؟**

ما حدود ۱۰۰ عنوان را مشخص کرده‌ایم که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ما یک چشم‌انداز عملی، ایده‌آل و دست‌یافتنی می‌خواهیم.

همچنین ما یک قانون مطلوب می‌خواهیم که بی‌نقص باشد. و یک تقسیم کار خوب و تعامل لازم داریم.

شما در هر کاری که می‌خواهید انجام دهید نیاز به یک تقسیم کار خوب دارید و باید آن را هم در اختیار متخصصین خودش بگذارید. وجوه مشترکی هم میان صنایع و معادن وجود دارد به‌خصوص درباره صنایع معدنی و بعضاً غیرمعدنی و فرض کنید مباحث نظری جدیدی که مطرح است مانند عدالت‌محوری و . . . اینها را نمی‌شود به‌صورت جداگانه و خلأ بررسی کرد. باید تعامل داشته باشیم. علت اینکه از بسم‌الله کارمان را با دانشگاهیان و تشکل‌های مختلف شروع کردیم همین است. بعضی از تشکل‌ها را دعوت کرده‌ایم که از آنها اسم نمی‌بریم. آنها می‌گویند چند ده‌سال است که هیچ‌کس سراغ ما نیامده بود که از ما نظر بخواهد ولی می‌خواهیم کلاً با همه تعامل داشته باشیم. و می‌خواهیم از کار موازی هم جلوگیری کنیم. ما آمدیم این کار را کردیم حتی در مورد پتروشیمی و شرکت نفت هم رفتیم به دنبال استراتژی‌هایی که آنها نوشته‌اند. آنها هم قطعاً فصول مشترکی با ما دارند و ما به دنبال این هستیم که تعامل آنها را هم بگیریم که بتوانیم از تجربیات گذشتگان استفاده کنیم و در نهایت بتوانیم یک نسخه متناسب با کشور خودمان بپیچیم. احراز داریم از منطق مدل‌های آماده شده ولی تجربیات آنها را به کار می‌گیریم ما اولین چیزی که به دنبالش هستیم ایجاد یک باور میان مسئولان و نخبگان است و آن اینکه معدن هم یک پتانسیل بالقوه‌ای است که می‌تواند در کشور برای ما یک مزیت بالایی داشته باشد. حالا من رئوس کارهایی که دنبالش هستیم را می‌گویم. پیدا کردن جایگاه معدن در اقتصاد کلان است و جایگاه مهم واقعی بخش معدن و صنایع معدنی در GDP است. ممکن است سهم کمی داشته باشد اما مثل خونی است که در یک پیکر است و بسیاری از صنایع دیگر متکی بر آن باشد. بحث دیگر بحث سرمایه‌گذاری است که حالا باید یک سیاست همگن و سازگاری که همه یک چیز را بگویند را مشخص کنیم. از بهترین مسائل بخش معدن مسئله بهره‌وری و قیمت تمام‌شده و کیفیت محصولات است و بحث دیگر بحث نظام مالی بخش معدن است و نیز نحوه تامین منابع مالی معدن. مسئله دیگر توسعه پایدار است و مسائلی مانند تکنولوژی معدن است که باید بگوییم تکنولوژی معدن در ایران مطلوب نیست. بحث دیگر وضعیت اشتغال و بهره‌وری نیروی انسانی است. معادن ما حرکت علمی ندارد و نظارتی هم بر آن وجود ندارد و معدن‌کاری در ایران مخصوصاً در بخش خصوصی استادکاری است و مهندسی نیست.

■ **به نظر شما مهمترین مشکلات و مسائل معدن در ایران که باید به آن توجه شود با توجه به کارهایی که ذکر کردید چیست؟**

مهمترین مشکل تولید در بخش معدن، رقابت‌پذیری پایین محصولات معدنی کشور است که به عوامل مختلفی از قبیل تکنولوژی قدیمی و . . . برمی‌گردد. از دیگر مسائل تحقیق کمرنگ بودن تشکل‌ها و انجمن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی بخش معدن است.

از موارد دیگر می‌توان به نبودن تفکر مهندسی در تصمیم‌گیری‌ها اشاره کرد که از دغدغه‌های خودمان است.

■ **بحثی که پیش می‌آید این است: حالا که مشخص کرده‌اید چه می‌خواهید، فکر می‌کنید ابزاری وجود دارد که به آنچه می‌خواهید برسید؟**

سدی وجود ندارد و اگر ابزار قانونی هم بخواهیم می‌توانیم کار کنیم و پیشنهاداتی را هم برای تعیین این ابزارها می‌دهیم.

■ **چطور می‌خواهید سهم بخش معدن را در GDP افزایش دهید؟**

در مورد این سهمی که گفته می‌شود، در محاسباتش بحث داریم چرا که تولیدات مواد خام معدنی به‌عنوان بخش معدن را در GDP تاثیر داده‌اند. و ارزش افزوده تولیدات صنایع معدنی را اعمال نکرده‌اند.

■ **مورد دیگر خصوصی‌سازی در بخش معدن است. حالا جدای از مباحث موجود درباره اصل ۴۹ و تفاسیری که از آن شده به‌نظر شما خصوصی‌سازی واقعی در بخش معدن چگونه باید صورت گیرد.**

خصوصی‌سازی واقعی آن است که بخش خصوصی واقعی که پتانسیل دارند در یک فضای متعادل و عدالت‌گونه در بخش معدن مشارکت کنند. باید بگوییم بخش خصوصی پتانسیل عظیمی دارد که باید به‌کار گرفته شود. دولت نیز به‌عنوان سیاستگزار ناظر و هدایت‌کننده فعالیت‌ها، عمل می‌کند.

■ **بسیاری از اشخاصی که در بخش معدن فعال هستند در مورد ریسک آن و مشکلاتی که به واسطه ریسک در بخش معدن ایجاد می‌شود، مباحث زیادی را طرح می‌کنند. دولت چه کاری را برای کاهش ریسک انجام می‌دهد و اصلاً در برنامه‌های شما برای این معضل فکری شده است؟**

ببینید چند جور می‌شود این ریسک را کاهش داد. اول اینکه اطلاعات اکتشافی و معدنی را تدقیق و شفاف‌سازی کرد. اگر ما اطلاعاتمان را از مرحله پی‌جویی زیاد کنیم وقتی در مورد وجود یا عدم وجود مواد معدنی در یک معدن ابهام وجود دارد ریسک بالا می‌رود ولی اگر اطلاعات تفضیلی شود، ریسک کمتر می‌شود و بماند که معدن خود کاری است توام با ریسک اما ما می‌توانیم اطلاعات را تفضیلی کنیم و به بخش خصوصی بدهیم و بعد هم بحث‌های بیمه و معدنی و مواردی از این قبیل را مطرح کنیم. ضمناً باید شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب در مباحث کمبود کار و معدن و صنایع معدنی صورت گیرد. البته بحث دیگر هم این است که کلاً طبیعت بخش خصوصی و دولتی متفاوت است و نوع سرمایه‌گذاری آنها هم متفاوت است.

■ **فکر می‌کنید با وضعیت فعلی مواد معدنی در ایران و ذخایر موجود برای بخش خصوصی به صرفه است که وارد فعالیت شود؟**

بله، درخصوص بحث معادن بزرگ بحث دیگری است که من نمی‌توانم در حال حاضر نسخه‌ای برای آن تجویز کنم. ولی قطعاً مسئولان عالی نظام برای آن راه‌حلی جامع ارائه خواهند کرد.

و دیگر اینکه غیر از معادن بزرگ بیشتر معادن موجود در کشور دست بخش خصوصی است.

■ **شما نگران نیستید که تغییری در سیاست‌های دولت حال با تغییر خود دولت یا دلایل دیگر ایجاد شود و اتفاقی که برای استراتژی بخش صنعت رخ داد، برای استراتژی معدن هم اتفاق بیفتد؟**

استراتژی قبلی بخش صنعت با مشخصات استراتژی مطلوب نوشته شده است و صرفاً مطالعات کلانی درخصوص محیط‌های کسب و کار صنعتی بوده است که شاید برای استراتژی‌ها و راهبردهای بخشی مورد استفاده قرار گیرد. انشاءالله در فرصت مناسبی راجع به استراتژی بخش معدن و صنایع معدنی کشور به تفصیل بحث خواهم کرد. به نظر من استراتژی در هر لحظه باید پویا باشد. شما نمی‌توانید یک استراتژی بنویسید که ایستا باشد و نگران تغییر آن باشید. ما در دهکده جهانی زندگی می‌کنیم و همه‌چیز در حال تغییر است و باید استراتژی، قابل تغییر باشد.

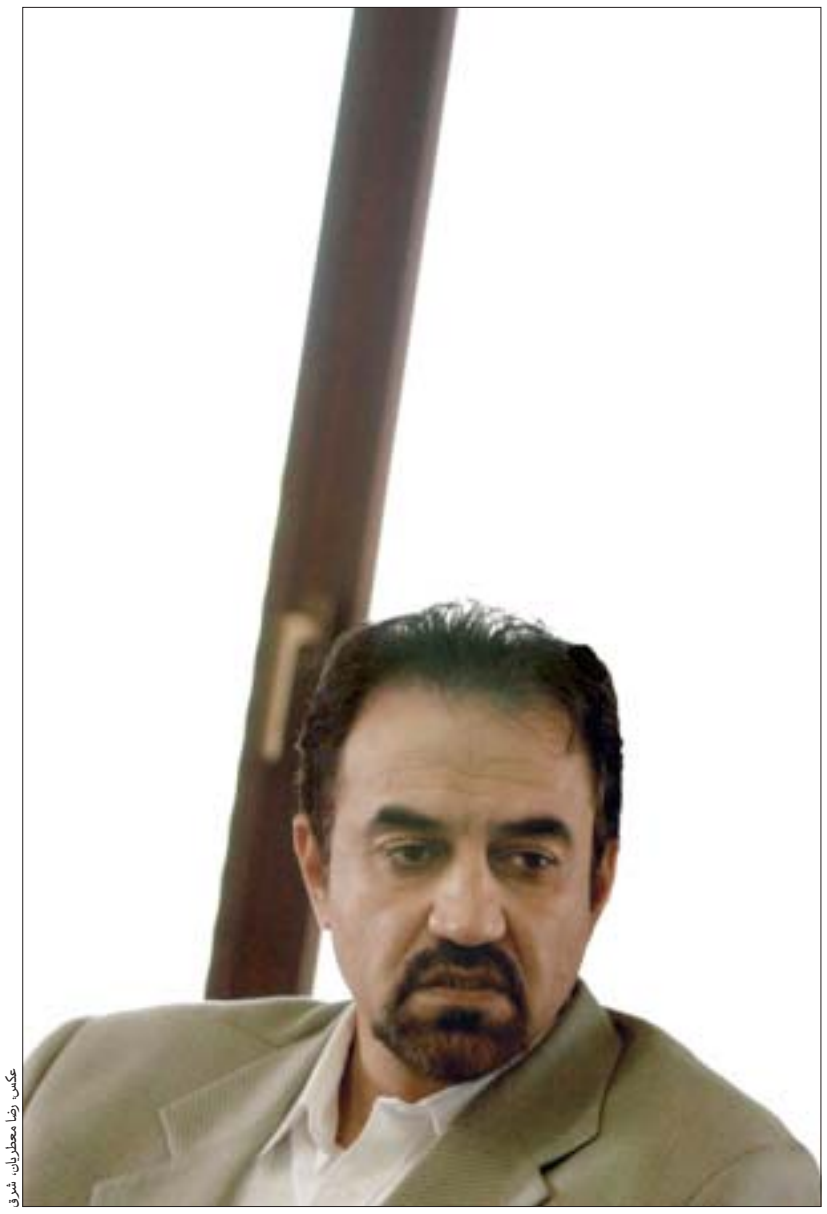

عکس: رضا معطرپان، شرق

تفسیر اقتصادی

سهمیه‌بندی یا دونرخی

فواد صادقی

بحث دنباله‌دار بنزین که بیش از ده سال است، تقریباً هر ساله در کشور مطرح می‌شود، ظاهراً در حال رسیدن به فینال و تعیین تکلیف نهایی است. از یک‌سو مصرف بنزین طی ده سال گذشته، رشدی ۱۰ تا ۱۵ درصدی را تجربه کرده و میزان مصرف، هم‌اکنون به هفتاد میلیون لیتر در روز رسیده که تداوم رشد مصرف را که با محاسبه اضافه شدن سالانه یک میلیون دستگاه به تعداد خودروهای کشور در پنج سال آینده، به رقم حدود صد میلیون لیتر در روز می‌رسد غیرممکن ساخته است. از سوی دیگر، پیامدهای کنترل مصرف بنزین، چه از طریق سهمیه‌بندی و چه از طریق واقعی کردن قیمت، آن‌گونه است که هیچ‌یک از دولت‌ها و مجلس‌ها، تاکنون جرات دست زدن به چنین اقدامی را نداشته‌اند. در این میان، اگر دولت نهم به تصمیم خود، مبنی بر سهمیه‌بندی بنزین در سال جاری وفادار بماند، قطعاً تحولاتی شگرف در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. در این راستا توجه به چند نکته ضروری است:

۱ـ برای کشوری مانند ایران که بخش عمده درآمد آن (۸۰ درصد) مستقیم یا غیرمستقیم از نفت تامین می‌شود، مصرف هرچه بیشتر فرآورده‌های نفتی در حکم کاهش درآمد ملی است، چراکه سهمیه نفت تعیین‌شده از سوی اوپک برای هر کشور بر پایه میزان تولید آن کشور محاسبه شده و مصرف بیشتر داخلی به معنای کاهش در صادرات و به دنبال آن کاهش درآمد خواهد بود؛ بنابراین، با توجه به افزایش بی‌سابقه قیمت نفت طی دو سال اخیر، میزان کاهش درآمد کشور از فروش نفت، به دلیل رشد مصرف فرآورده‌های نفتی به صورت تصاعدی افزایش خواهد یافت که برای کشوری مانند ایران که درآمد سرانه آن کمتر از دو هزار دلار است، این رقم، قابل چشم‌پوشی نخواهد بود.

۲ـ طرح انحرافی خودکفایی در مصرف بنزین از طریق احداث تعداد زیادی پالایشگاه که از سوی گروهی از نمایندگان مجلس بر آن اصرار می‌شود، به نوعی پاک کردن صورت مسئله است، چراکه حتی در صورت تولید کامل نیاز داخلی به بنزین، تغییری در رشد و الگوی نامناسب مصرف بنزین نخواهد کرد. علاوه بر آنکه قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی و یا حداکثر معادل هزینه تمام شده آن با احتساب ارزش نفت خواهد بود؛ بنابراین، حتی در صورت تولید آن در داخل، تفاوتی در اتلاف منابع کشور صورت نخواهد گرفت.

۳ـ با توجه به پیشی گرفتن مصرف نفت گاز (گازوییل) از بنزین و وجود مشکلات مشابه بنزین در این بخش مانند رشد بی‌رویه مصرف، قاچاق به کشورهای منطقه و الگوی نادرست مصرف، منحصر کردن طرح کنترل مصرف فرآورده‌های نفتی به بنزین، رویکردی سطحی‌گرایانه به نظر می‌رسد و حتی با توجه به شکاف عمیق‌تر بین قیمت رسمی گازوییل با جهانی آن نسبت به بنزین و مصرف صنعتی آن، که اثر قیمتی کمتر و کندتری نسبت به بنزین بر سطح قیمت‌های بازار خواهد گذاشت، کنترل مصرف گازوییل می‌تواند در اولویت قرار بگیرد.

۴ـ طرح کاهش یارانه بنزین باید با اصلاح نظام پرداخت یارانه به‌صورت یک‌پارچه نگریسته شود. هر یک از یک میلیون خانواری که از طریق حمل‌ونقل مسافر با خودروهای شخصی در کشور، تامین معاش می‌کنند روزانه، یارانه‌ای بیش از یکصد هزار ریال را از طریق تفاوت قیمت بنزین، دریافت می‌کنند که باید برای جایگزین کردن آن برنامه‌ریزی شود، همچنین افزایش قیمت بنزین، تأثیرات جدی بر قیمت خدمات حمل و نقل و دیگر حوزه‌های مصرفی خواهد گذاشت که رها کردن آن، بسیاری از خانواده‌های ایرانی را با بن‌بست اقتصادی و بحران در تامین هزینه‌ها روبه‌رو کرده است. برای دولتی که شعار آن آوردن نفت بر سر سفره مردم بوده است خالی کردن باک خودروها عواقب خوشایندی نخواهد داشت. با توجه به اثرات تورمی پرداخت یارانه به صورت نقدی، اگر دولت بر سهمیه‌بندی و کوپنی کردن بنزین موظف است، می‌توان تقویت سبد کالاهای کوپنی را برای جبران بخشی از آثار آن به صورت یک بسته به این لوح اضافه کرد.

۵ـ پافشاری بر این ادعا که سهمیه‌بندی بنزین به دونرخی شدن آن نمی‌انجامد، نیز از طنزهای اقتصادی است که بازگو کردن آن برای کشوری که تجربه سهمیه‌بندی کالاها را در هشت سال جنگ تجربه کرده، خالی از لطف است. بدون تردید، سهمیه‌بندی کردن بنزین به دونرخی شدن آن می‌انجامد، البته اگر نرخ آزاد بنزین به صورت رسمی پذیرفته و اعلام شود، بازار سیاه خرید و فروش کوپن تشکیل خواهد شد، چراکه نمی‌توان بسیاری از افراد را که ناگزیر به استفاده از خودرو هستند، وادار به استفاده روزانه ۳ لیتر بنزین، که پاسخگوی مصرف ناشی از تردد کمتر از ۳۰ کیلومتر است، کرد؛ بنابراین، در صورت سهمیه‌بندی بنزین، اگر فروش آزاد آن به دلیل عوام‌گرایی و رفتارهای سیاسی صورت نگیرد، تنها به سرازیر شدن عواید هنگفت ناشی از بازار سیاه به جیب باندهای دلالی و واسطه‌گری منجر خواهد شد.

۶ـ بحث مربوط به کارت هوشمند بنزین، نیز موضوعی فراتر از سهمیه‌بندی بنزین است. امروزه استفاده از تکنولوژی اطلاعات (IT) چنان قابلیت‌هایی برای مدیریت فراهم ساخته است که به کارگیری آن نیازمند توجیهاتی نظیر سهمیه‌بندی بنزین نیست. جلوگیری از قاچاق بنزین امکان ردگیری آسان جرایم مربوط به خودرو، به دست آوردن اطلاعات دقیق راجع به الگوی مصرف و . . . از دیگر مزایای استفاده از کارت هوشمند است.

نامه پیمانکاران به روسای سه قوه

شرق: ۲۷ انجمن ساختمانی، تاسیساتی و پیمانکاری طی نامه‌ای به سران سه قوه به روند تحدید بخش خصوصی و معضلات پیمانکاری پرداختند. متن نامه در پی می‌آید.

نامه سرگشاده

روسای محترم سه قوه «اجرائیه، قضائیه، مقننه»

جناب آقایان: دکتر محمود احمدی‌نژاد، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، دکتر حدادعادل

با اهدای تحیات و سلام و تقدیم بهترین درودها و همچنین با آرزوی توفیق خدمت به ملت و مملکت بزرگ ایران، بدین‌وسیله معروض می‌دارد تاثیر اقدامات ماه‌های اخیر دستگاه‌های دولتی بر فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در حوزه «امور عمرانی» که بودجه آن از محل درآمدهای عمومی دولت و یا بخش‌های دیگر تامین می‌شود، باعث شده است «صنعت کارخانه‌ای و صنعت ساختمان» عموماً و به خصوص بخش پیمانکاری و مشاوره در خطر قرار گرفته و به سوی بحران پیش رود. وضعیت موجود و شرایط حاکم بر بخش پیمانکاری در اجلاس شورای ادواری کانون سراسری انجمن‌های شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران مورخ ۸۵/۳/۲۵ که با حضور انجمن شرکت‌های ساختمانی، انجمن صنفی شرکت‌های پیمانکار تاسیسات و تجهیزات صنعتی ایران و اکثریت انجمن‌های شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی استان‌های کشور در شهر مرزی مریوان برگزار شد، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارگرفت و نقطه‌نظرات مشترک شرکت‌کنندگان به عنوان قطعنامه پایانی اجلاس مذکور به اتفاق آرا تصویب شد که به صورت نامه‌ای سرگشاده به محضر روسای محترم قوا، تقدیم می‌شود تا چاره‌اندیشی گردد.

قطعاً استحضار دارند که با فعال شدن صنعت ساختمان حدود ۵۰۰ نوع واحد صنفی دیگر در بخش خدمات و تولید نیز فعال شده و رونق پیدا می‌کنند. مطمئناً مستحضر هستید که به ازای ساخت هر هفتاد مترمربع ساختمان، تعداد ۲/۵ شغل مستقیم و سه‌دهم شغل غیرمستقیم یعنی جمعاً ۲/۸ شغل برای جویندگان کار، اشتغال ایجاد می‌شود. شما بزرگواران از مضرات دولتی شدن اقتصاد و بزرگ شدن دولت مطلع می‌باشید و می‌دانید که در برنامه‌های توسعه و تبیین سیاست‌های کلان و راهبردی، مصوب شده است که از حجم دولت کاسته شده و امور تصدی‌گری به بخش خصوصی واگذار شود. در حالی که در ماه‌های اخیر در جهت خلاف این قوانین مادر و سیاست‌های کلان، تصمیماتی اتخاذ و اقداماتی انجام شده است. تشکل‌های صنفی شرکت‌های پیمانکاری اعم از کشوری و استانی که ذیل این نامه سرگشاده را امضا کرده‌اند، اهم مضایق و مشکلات روزافزون و رو به رشد خود را که ناشی از اقدامات دولتی است و فقط با تصمیم‌گیری و اصلاح آن تصمیمات و اقدامات به مدد خود دستگاه‌های دولتی قابل حل است، به شرح زیر معروض داشته، انتظار اقدام عاجل و موثر دارند:

۱- بند «ط» تبصره ۹، قانون بودجه سال ۱۳۸۵، دقیقاً برخلاف قوانین و سیاست‌های مصوب به منظور کاستن از حجم دولت است. ضمن آنکه هم مجری طرح و هم مشاور و هم پیمانکار، برابر قانون و همچنین نظام فنی و اجرایی، باید دارای شرایط، امکانات و مشخصات ذکر شده در نظام مذکور و آیین‌نامه‌های اجرایی آن باشند تا توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تشخیص صلاحیت شوند. آیا شرکت‌های دولتی و سازمان‌هایی نظیر بسیج سازندگی امکان تطبیق خود با شرایط و آیین‌نامه‌های مذکور را دارند؟ و فعالیت آنها با کدام‌یک از سه نوع فعالیت «دولتی، خصوصی یا تعاونی» مصرح و مذکور در قانون اساسی منطبق است؟

۲- در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئولیت‌ها و مشاغل به صورت کامل تعریف شده است و چشم‌انداز توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیست ساله هم در جهت کوچکتر شدن دولت می‌باشد. بنابراین واگذاری پروژه‌های بزرگ به ارگان‌های نظامی، انتظامی و شبه‌نظامی، آیا در جهت تقویت بنیه اقتصادی و فنی جامعه است؟

۳- ردیف ۳۰ تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور، می‌گوید طرح‌های بیش از سیصد میلیارد ریال بایستی از طریق برگزاری مناقصه عمومی و با تنظیم قراردادهای طراحی - تدارک - ساخت به صورت قیمت مقطوع و با گشایش اعتبارات اسنادی انجام شود. آیا واگذاری قراردادهای با ارقام بسیار بالا به بعضی از ارگان‌ها بدون تشریفات مناقصه مذکور و خارج از ضوابط قانون بودجه سال ۸۵ درست است؟

۴- تصمیمات مذکور در بندهای ۱ و ۲ و ۳ این نامه در شرایطی توسط دولت و مجلس اتخاذ شده است که حداقل ۶۰ درصد از ظرفیت‌های کاری و توان اجرایی شرکت‌های عضو انجمن‌های امضاکننده این نامه که در سطح کل کشور بیش از ده‌هزار شرکت هستند خالی و بدون استفاده است. آیا بهتر نبود مسئولان محترم دولتی به جای کاستن از بازار کار این شرکت‌ها به گسترش روند اشتغال‌زایی توسط این واحدهای اجرایی یاری می‌رساندند؟

۵- مطالبات مالی پیمانکاران بخش خصوصی از دولت محترم، نه‌تنها در امور مالی این شرکت‌ها نابسامانی ایجاد کرده، بلکه بخشی از آنها را در آستانه ورشکستگی و توقف قرار داده است. آیا عدم پرداخت به‌موقع مطالبات مذکور وضعیت را به سوی بحران و اعتصابات کارگری در کارگاه‌های ساختمانی سوق نمی‌دهد؟

۶- بهای برخی مصالح اساسی، مانند انواع فولاد، تولیدات مسی، آلومینیومی، چدنی، سیمان و . . . دیگر مصالح و نیز افزایش حقوق و دستمزد نیروی انسانی که به هیچ‌وجه هنگام پیشنهاد قیمت توسط پیمانکار قابل پیش‌بینی نبوده است، در ماه‌های اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. ضروری است این میزان افزایش توسط شاخص‌های تعدیل در آینده جبران شود مضافاً اینکه براساس دستورالعمل برآورد کارهای مترمربعی قیمت‌های قرارداد تا پایان مدت ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشد. لذا ضرورت اساسی دارد تا سریعاً نسبت به محاسبه و تعیین مابه‌التفاوت قیمت‌ها و نحوه پرداخت آنها اقدام عاجل به عمل آید. ابلاغ هرچه سریع‌تر شاخص‌های واقعی تعدیل نیز در این شرایط، الزامی به نظر می‌رسد.

۷- بحران ناشی از افزایش قیمت‌های مصالح و دستمزد مذکور در بند ۶ این نامه در مورد قراردادهای مقطوع، که بر مبنای بخشنامه ۲۰۰۰ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منعقد شده‌اند و تعدیل نیز شامل این نوع قراردادها نمی‌شود، نابودکننده است. بخش عظیمی از پیمانکاران استان‌ها را که قرارداد با قیمت مقطوع دارند، ورشکست خواهد کرد. امید است با بذل توجه بایسته و صدور دستور شایسته در رفع معضلات مطروحه در این قطعنامه، موانع فراروی بخش پیمانکاری کشور در مسیر ساخت و آبادگری، کارآفرینی و توسعه پایدار کشور و انجام وظایف و رسالت اثربخش آن برداشته شود.

۱ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی، ۲- انجمن صنفی شرکت‌های پیمانکار تأسیسات و تجهیزات صنعتی ایران، ۳- کانون سراسری انجمن‌های شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران، ۱ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان آذربایجان شرقی، ۲ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی و راهسازی استان آذربایجان غربی، ۳ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان اصفهان، ۴ـ۳ـ انجمن پیمانکاران استان ایلام، ۵ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان اردبیل، ۶ـ۳ـ انجمن آبادگران استان بوشهر، ۷-۳- انجمن صنفی پیمانکاران و شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان تهران، ۸ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان خراسان رضوی، ۹ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و راهسازی استان خراسان جنوبی، ۱۰ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان خوزستان، ۱۱ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۲ـ۳ـ انجمن آبادگران استان زنجان، ۱۳ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و راهسازی استان سمنان، ۱۴-۳- انجمن شرکت‌های راه و ساختمان استان فارس، ۱۵ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان قزوین، ۱۶ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان کردستان، ۱۷ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و راهسازی استان کرمان، ۱۸ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان کرمانشاه، ۱۹ـ۳ـ انجمن پیمانکاران و شرکت‌های استان کهکیلویه و بویراحمد، ۲۰ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان گیلان، ۲۱ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان گلستان، ۲۲ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان لرستان، ۲۳ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان مرکزی، ۲۴ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان مازندران، ۲۵ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان همدان، ۲۶ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استان هرمزگان، ۲۷ـ۳ـ انجمن شرکت‌های ساختمانی، تاسیساتی و راهسازی استان یزد.